خبر

فقر مهارتی چالش اصلی جامعه است

مدیرکل آموزش فنی و حرفه ای گلستان گفت: فقر مهارت یکی از چالش های اصلی جامعه محسوب می شود و باید برنامه های درستی در همین راستا تدوین شود. سید علیرضا حسینی طلب در بازدید از نمایشگاه مطبوعات گلستان، در گفتگو با مهر اظهار کرد: امسال در هفته مهارت شاهد تعامل خوبی از سوی اصحاب رسانه استان بودیم که ادامه این روند می تواند برای گلستان بسیار مفید باشد. وی با اشاره به اینکه جامعه با معضل جدی بی کاری مواجه است و این موضوع قابل کتمان نیست، افزود: فقر مهارت یکی از چالش های اصلی جامعه محسوب می شود که باید برنامه های درستی در همین راستا تدوین شود. مدیرکل آموزش فنی و حرفه ای گلستان گفت: برای از بین بردن بیکاری و اشتغال جوانان باید همه دستگاه های مربوطه وارد میدان شوند و برنامه ریزی های دقیقی را دستور کار خود قرار دهند. وی با بیان اینکه اداره کل آموزش فنی و حرفه ای گلستان ماموریت نسلی بر عهده دارد، تصریح کرد: باتوجه به اهمیت موضوع مهارت سعی داریم تمام دستگاه های اجرایی را وارد این بحث کنیم. حسینی طلب اظهار کرد: طبق بررسی های انجام شده اکنون توانستیم نیمی از راه را طی کنیم که این بسیار امیدوار کننده است.

کاهش خرافات در اجرای مناسبت های مذهبی گلستان

مدیرکل تبلیغات اسلامی گلستان با اشاره به اینکه مراقبت ها باعث شده تا خرافات به حداقل برسد، گفت: میزان درصد خطا در مناسبت های مذهبی با کاهش مواجه شده است. به گزارش مهر، حجت الاسلام نورالله ولی نژاد، در هشتادونهمین جلسه ستاد شئون فرهنگی، احیای مناسبت ها را یکی از وظایف ستاد شئون دانست و اظهار کرد: این ستاد باعث احیاء همه مناسبت های فرهنگی و مذهبی می شود و نقش مهمی در رشد فرهنگ، نشاط و معنویت استان دارد. وی افزود: جلوگیری از خرافات و مراقبت از مناسبت های مذهبی یکی از وظایف اصلی ستاد شئون به شمار می آید. عضو شورای فرهنگ عمومی گلستان وجود وحدت در بین شیعه و سنی را یک اصل دانست و گفت: امروز وحدت یک سرمایه است و جزو مهمترین نیاز جامعه محسوب می شود.وی با بیان اینکه شرایط استان گلستان در حوزه دین کنترل شده است، تصریح کرد: اکنون در همین راستا گلستان نسبت به سال های گذشته از شرایط بهتری برخوردار است. مدیرکل تبلیغات اسلامی گلستان با اشاره به اینکه مراقبت ها باعث شده تا خرافات به حداقل برسد، گفت: میزان درصد خطا در مناسبت های مذهبی با کاهش مواجه شده است.وی حضور هیات مذهبی در مناسبت های مختلف را پررنگ و مفید دانست و تصریح کرد: هیات مذهبی نقش مهمی در برجسته نگه داشتن نام ائمه اطهار(ع) دارند. ولی نژاد اظهار کرد: مداحان دقت لازم را در سخنرانی و اجرای برنامه ها داشته باشند و برای باشکوه برگزار کردن مراسم مذهبی از تشکل های دینی و دستگاه های فرهنگی کمک بگیرند.

۳ کتابخانه روستایی در گلستان افتتاح می شود

مدیر کل کتابخانه های عمومی گلستان گفت: سه کتابخانه روستایی در گلستان طی هفته دولت افتتاح می شود. به گزارش مهر، رضا قوانلو اظهار کرد: در هفته دولت در گلستان یک کتابخانه روستایی در روستای «کردآباد» علی آبادکتول و دو کتابخانه در روستاهای «پنج پیکر» و «سیجوال» بندرترکمن افتتاح می شود.وی افزود: با افتتاح این سه کتابخانه ها، مجموع کتابخانه های روستایی که در سال ۹۷ شروع به کار کرده اند به چهار عدد می رسد و با این اقدام هم در حوزه منابع و هم در حوزه زیربنا افزایش خواهیم داشت.قوانلو همچنین از ثبت نام ۲۷ هزار و ۵۰۰ نفر در جشنواره کتابخوانی رضوی در گلستان خبر داد و گفت: در سال ۹۵، چهار هزار و ۵۰۰ نفر و در سال گذشته ۱۷ هزار نفر شرکت کرده بودند بنابراین افزایش قابل ملاحظه ای را در سال جدید شاهد بودیم.

خلیج گرگان در آستانه خشک شدن است

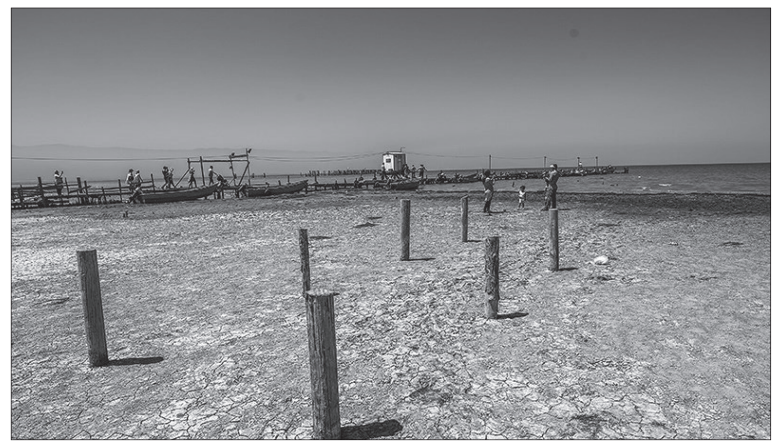

معاون پژوهشی پژوهشگاه ملی اقیانوس شناسی و علوم جوی گفت: آخرین پیش بینی ها از اتحادیه اروپا نشان می دهد تراز آب دریای خزر در شرایط کنونی روند کاهنده دارد و خلیج گرگان را در آستانه خطر خشک شدن قرار داده است. به گزارش ایرنا، حمید علیزاده لاهیجانی در نشست تخصصی بررسی نوسانات تراز آب دریای خزر افزود: خشک شدن خلیج گرگان خطر بروز گرد و غبار را در شمال کشور فراهم می کند بنابر این برای جلوگیری از این خطر باید اقدامات لازم صورت گیرد. عضو کمیته ملی نجات خلیج گرگان اضافه کرد: البته پیش بینی بیشتر از ۱۸ ماه زیاد صحیح نیست و بر روی پیش بینی های بلند مدت نمی شود تکیه چندانی کرد. وی ادامه داد: حوضه آبریز خزر حدود ۱۰ برابر خود دریای خزر است که در کشورهای اطراف آن توزیع شده است. معاون پژوهشی پژوهشگاه ملی اقیانوس شناسی و علوم جوی عنوان کرد: در حوضه آبریز دریای خزر زمین های یخی، ارتباط هیدرولوژیکی، یخچال های دائمی که موجب افزایش تراز آب خزر شوند وجود ندارد. علیزاده تصریح کرد: حدود ۶۲ میلیون نفر در روسیه در حاشیه خزر، ۱۲ میلیون نفر در ایران، تمام جمعیت جمهوری آذربایجان و بخشی از جمعیت ترکمنستان در حاشیه حوضه آبریز خزر زندگی می کنند از این رو تمام رودخانه های منتهی به خزر دست خورده اند و بیشترین سد بر روی رودخانه ولگا به عنوان منبع اصلی خزر احداث شده است. معاون پژوهشی پژوهشگاه ملی اقیانوس شناسی و علوم جوی اظهار داشت: وسعت مصرف آب در این بخش در سال ۲۰۰۷ حدود ۴۳ کیلومتر مربع در سال اعلام شده بود، بیشترین مصرف در اواخر دهه ۸۰ رخ داد اما بعد از آن کاهش یافت. وی به فعالیت های انسانی به عنوان یکی از عوامل کاهش تراز آب خزر اشاره کرد و گفت: احداث سد بر روی رودخانه های منتهی به خزر تاثیر بسیار زیادی بر تراز آبی آن داشته و اگر سدها باز شوند تراز آب یک متر بالاتر خواهد آمد. علیزاده افزود: افزایش دما، بالا رفتن تبخیر و تغییر در پوشش برفی در حوزه ولگا از دیگر عوامل نوسات تراز آب خزر است. وی با اشاره به اینکه ۴ سانتیمتر از تراز خزر مربوط به تغییرات دمای آب در فصول مختلف است، ادامه داد: سیلاب تاثیر بسیاری در افزایش تراز دارد به طوری که سیلاب های فصلی می توانند تا ۴۰ سانتیمتر تراز آب را افزایش دهند. علیزاده عنوان کرد: تاریخ نشان می دهد دریای خزر همواره دستخوش نوسانات شدیدی بوده است به طوری که شدیدترین کاهش تراز آب ۸ هزار سال پیش رخ داد که بر اثر آن خزر شمالی، مرداب انزلی و تمام تالاب ها و خلیج حاشیه خزر خشک شدند، بعید به نظر می رسد که چنین کاهش ترازی دوباره تکرار شود. معاون پژوهشی پژوهشگاه ملی اقیانوس شناسی و علوم جوی اضافه کرد: اثر تراز آب بر روی تغییرات توده ای، شیمی و رسوبی دریای خزر تاثیرات زیادی می گذارد، خزر یک دریاچه است اما از لحاظ زمین شناسی رفتاری اقیانوس گونه دارد. رییس گروه پژوهشی مدیریت محیط زیست وزارت علوم، تحقیقات و فناوری نیز در این نشست گفت: براساس پیش بینی سازمان جهانی هواشناسی با توجه به روند گرمایش کره زمین تا سال ۲۱۰۰ یعنی انتهای قرن ۲۱ شاهد کاهش ۳ تا ۵ متری تراز آب دریای خزر خواهیم بود که این موضوع چالش های زیادی را به وجود می آورد. همایون خوشروان افزود: خزر دریایی است که تنها راهیافت به سوی حیات دوباره تمدن ایرانی خواهد بود. رییس گروه پژوهشی مدیریت محیط زیست وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ادامه داد: اگر زمانی منابع آبی موجود در کشور با اولویت نوار ساحلی خزر تمام شود می توان با استفاده از این پهنه آبی کمبود آب را جبران و حیات ایران را نجات داد زیرا شوری آب خزر یک سوم آب اقیانوس ها است. وی اضافه کرد: مرکز ملی مطالعات دریای خزر از سال ۷۲ مسوولیت حاکمیتی مطالعات و تحقیقات خزر را بر عهده گرفته و تاکنون گزارش های رسمی زیادی درخصوص نوسانات تراز آب خزر تهیه و ارائه کرده است. خوشروان ادامه داد: در راستای مسائل مرتبط با نوسانات آب خزر چند سوال مطرح می شود یکی اینکه ذینفعان چگونه می توانند از خزر بهره ببرند و دوم اینکه چگونه توسعه پایدار داشته باشند. رییس گروه پژوهشی مدیریت محیط زیست وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به چالش های حوزه خزر اشاره کرد و گفت: فرسایش سواحل یکی از چالش هایی است که نگرانی هایی را به وجود آورده است که طی دهه ۶۰ و ۷۰ برای جبران خسارت و جلوگیری از فرسایش بیشتر هزینه زیادی را متحمل شدیم. وی ادامه داد: در قرن ۲۱ که کاهش تراز آب خزر را تجربه می کنیم خشک شدن تالاب ها را شاهد هستیم که در این میان ۹۵ درصد تالاب میانکاله که از خزر تغذیه می کند خشک شده و خلیج گرگان در آستانه خشکی است. رییس گروه پژوهشی مدیریت محیط زیست وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به سابقه تاریخی نوسان تراز آب دریای خزر اشاره کرد و گفت: خزر کاهش ۷۰ متر پایین تر از آب های آزاد را نیز تجربه کرده است، سال ۱۹۳۰ تا ۱۹۷۸ از تراز منهای ۲۹ به منهای ۲۶ رسید، در واقع در این ۴۸ سال تراز آب خزر به شدت افت کرد که احداث سد بر روی رودخانه های منتهی به خزر به ویژه ولگا تاثیر بسزایی در این کاهش داشته است. خوشروان خاطرنشان کرد: حجم سدهای ساخته شده بر روی رودخانه های منتهی به خزر به ۵۰ میلیارد متر مکعب می رسد که اگر دریچه این سدها باز شود سالانه ۱۲ سانتیمتر به تراز خزر اضافه می شود. عضو کمیته ملی نجات خلیج گرگان در ادامه به فعالیت های انسانی به عنوان دیگر عامل کاهش تراز آب خزر اشاره کرد و بیان داشت: در سال هایی که شاهد کاهش تراز آب خزر بودیم زمین های زیادی به فلات ایران اضافه شد، این زمین ها تصرف و شهرک های اقماری در حاشیه خزر ساخته شد و از سال ۱۹۹۵، به مدت ۱۸ سال شاهد بالا آمدن تراز آب خزر بودیم که در این شرایط خسارات زیادی به ویلاهای ساخته شده در حاشیه خزر وارد شد.خوشروان گفت: در قانون فاصله ۶۰ متر برای حریم و بستر دریا در نظر گرفته شده که در شرایط کنونی مناسب نیست و باید مجلس شورای اسلامی بر روی واقعیت های طبیعی موجود در دریای خزر کار کند و به ترازی برسد که نه ذینفعان ضرر کنند و نه حیات دریای خزر به خطر بیفتد. به گفته وی، از سال ۱۹۹۵ دوباره شاهد کاهش تراز دریای خزر به مدت ۱٫۵ متر بودیم؛ از سال ۱۸۳۵ تا ۱۹۳۰ شاهد کاهش سطح تراز آب خزر تا یک متر بودیم یعنی خزر در مدت حدود ۱۰۰ سال، یک متر از سطح آب خود را از دست داد اما از سال ۱۹۳۰ تا ۱۹۴۴ با شیب بسیار تندی کاهش یافت و دوباره از سال ۱۹۴۴ تا ۱۹۸۷، شیب کاهش ملایم تر شد و تراز آب با سرعت زیادی شروع به بالا آمدن کرد.عضو کمیته ملی نجات خلیج گرگان اظهار داشت: سرعت نوسانات تراز آب خزر ۱۰۰ برابر نسبت به اقیانوس ها بیشتر است، از سال ۲۰۰۰ نرم تغییرات خزر گاهی با سرعت زیاد و گاهی کم در حال وقوع است. از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۵ سطح تراز خزر به شدت افت می کند که این روند در ۲۰۱۷ نیز ادامه داشت. سطح تراز آب دریای خزر در ۲۰۱۷ نسبت به ۲۰۱۶، ۴ سانتیمتر یعنی معادل ۱۶ میلیارد متر مکعب آب کاهش داشته است.وی یادآور شد: در خزر در دو فصل کم آبی و پرآبی داریم که اگر تحت تاثیر عوامل اقلیمی یا انسانی قرار گیرند می توانند تغییر کنند و بیلان را به هم بریزند، همچنین میزان درجه حرارت آب سطحی خزر در حال افزایش است. که این می تواند موجب بالا رفتن تبخیر و کاهش تراز آب شود. به گزارش ایرنا خلیج چهار هزار هکتاری گرگان یکی از بزرگترین مخازن آب شیرین متصل به دریای خزر است و تداوم زندگی بسیاری از جانداران در بزرگترین دریاچه زمین به اتصال این خلیج با دریا وابسته است، خلیجی که حالا با مشکلات متعدد دست و پنجه نرم می‌کند و فعالان و مسوولان محیط زیست معتقدند که با ادامه روند کنونی تبدیل به نسخه دیگری از دریاچه ارومیه می شود.خلیج گرگان علاوه بر پتانسیل گردشگری، زیستگاه انواع آبزیان بومی و منحصر بفرد است که به دلیل ادامه ورود برخی پسماندها، فاضلاب خام، زه آب های کشاورزی و آلودگی حال و روز خوبی ندارد و هر از چند گاه ضرورت کمک به آن مورد توجه رسانه ها قرار می گیرد.علاوه بر پسروی شدید و کاهش عمق آب خلیج گرگان، این بار رشد بیش از حد و غیرمتعارف جلبک ها لزوم توجه بیشتر به این خلیج را دو چندان ساخته است.

کاهش ۶ درصدی تلفات حوزه درون شهری در گلستان

رئیس پلیس راهور گلستان گفت: طی چهار ماه گذشته، گلستان در حوزه دورن شهری با کاهش ۶ درصدی تلفات مواجه بوده است. ایوب شرافتی در گفتگو با مهر، از کاهش ۶ درصدی تلفات حوزه درون شهری در استان خبر داد و اظهار کرد: در همین حوزه طی چهار ماه نخست امسال ۳۱ نفر از هم استانی های ما جان خود را از دست دادند. وی افزود: در این مدت ۸۸ نفر از هم استانی‌ها و تعدادی از مسافران جان خود را در حوزه برون شهری و پلیس راه از دست دادند. رئیس پلیس راهور گلستان با اشاره به اینکه در چهار ماه گذشته نسبت به مدت مشابه سال قبل در حوزه برون شهری ۱۹ درصد کاهش تلفات داشتیم، گفت: در این مدت در حوزه برون شهری و درون شهری ۱۱۹ نفر جان خود را از دست دادند.وی تصریح کرد: طی چهار ماه گذشته در حوزه درون شهری هزار و ۳۰۰ نفر و در حوزه برون شهری ۷۲۸ نفر مجروح شدند که نسبت به مدت مشابه سال قبل با کاهش مواجه بودیم.شرافتی اظهار کرد:طبق آماری که توسط اداره کل بهزیستی گلستان اعلام شده ۶۰ درصد از ضایعه نخاعی مجروحان حوادث ترافیکی هستند.وی تصریح کرد:باتوجه به اینکه در حوزه درون شهری و برون شهری به لحاظ زیر ساختی با مشکل مواجه هستیم مردم باید توجه لازم را داشته باشند تا آسیبی به آن‌ها وارد نشود.رئیس پلیس راهور استان عدم توجه به جلو و رعایت حق تقدم را جزو عوامل اصلی حوادث ترافیکی اعلام کرد و گفت: اگر رانندگان به این دو موضوع مهم توجه لازم داشته باشند حدود ۷۰ درصد از مشکلات حوادث ترافیکی برطرف خواهد شد.وی با بیان اینکه در حوزه درون شهری ۱۶۵ دوربین نصب شد، یادآورشد: از این تعداد ۶۰ دوربین در مرکز گلستان وجود دارد که پنج موردآن به صورت هوشمند هستند.شرافتی بااشاره به اینکه طی چهار ماه امسال ۳۰۰ هزار راننده در حوزه درون شهری اعمال قانون شدند، اظهار کرد: در این مدت بیش از پنج هزار و ۶۱۷ دستگاه موتورسیکلت و دو هزار ۸۱۵ دستگاه خودرو توقیف شد.

گلستان تنها بر پایه کشاورزی نمی تواند توسعه یابد

رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت گلستان گفت: گلستان تنها بر پایه کشاورزی نمی تواند توسعه یابد بلکه باید صنعت، تجارت و گردشگری را هم در آن لحاظ کرد. به گزارش مهر، حسینقلی قوانلو اظهار کرد: یکی از مشکلات موجود در سطح جامعه این است که نیاز مازاد در شبکه ایجاد شده است. وی افزود: نگهداری و احتکار تقاضای بیشتری در بازار ایجاد کرده و سبب افزایش قیمت می شود بنابراین باید از این کار اجتناب کرد. قوانلو با بیان این که دولت در تأمین کالاهای ضروری مشکلی ندارد، ادامه داد: میزان کالاهایی که در سه ماهه وارد کشور شده نسبت به سال قبل رشد داشته است. وی تصریح کرد: واردات کل کشور هم در میزان صادرات نسبت به چهار ماهه سال قبل رشد داشته است. قوانلو گفت: کالاهای غیراساسی با ارز ناشی از صادرکنندگان تأمین می شود و جز در یکی دو مورد کالا، مشکل خاصی نداریم. قوانلو در خصوص مناطق آزاد چنین گفت: لایحه مناطق آزاد به زودی در مجلس مطرح می شود و بیش از ۹۵ درصد امید داریم منطقه آزاد اینچه برون رأی بیاورد. رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت گلستان اظهار کرد: منطقه آزاد اینچه برون با همه شروطی که کمیسیون اقتصادی مجلس گذاشته، همخوانی دارد؛ یکی از این شروط این است که مناطق آزاد نباید بارانداز واردات باشد که ما به دلیل همسایه بودن با ترکمنستان و قزاقستان مشکلی در این خصوص نداریم. قوانلو گفت: منطقه آزاد نباید داخل شهر قرار گیرد و باید امکان فراوری موارد اولیه و صادرات مجدد را داشته باشد که منطقه آزاد ما چنین است و چهار راه زمینی، هوایی، ریلی و دریایی دارد و از مناطقی است که اگر به تنهایی لایحه اش در صحن مجلس مطرح می شد، رأی می آورد. وی گفت: قاچاق کالا یکی از اشکالاتی است که در مناطق آزاد وجود دارد به خاطر همین مسأله این لایحه دو فوریتی رأی نیاورد. رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت گلستان در خصوص مشکلات کارخانه سیمان پیوند هم چنین توضیح داد: این کارخانه یکی از سبزترین کارخانه های ما از لحاظ تولید است، ممکن است مکان یابی آن مناسب نبوده باشد اما تمام مجوزهای لازم زیست محیطی، منابع طبیعی و پروانه بهره برداری را دارد. وی تصریح کرد: فیلتری که برای این کارخانه استفاده می شود از گران ترین فیلترهاست و متولیان محیط زیست خروجی آن را کنترل می کنند. قوانلو با بیان این که وظیفه ما حمایت از کارخانجات است، گفت: اگر گلستان با کشاورزی می توانست به جایگاه خوبی در کشور برسد، تاکنون این عمل اتفاق افتاده بود.وی افزود: در کشاورزی بهره برداری ما پایین است لذا علاوه بر کشاورزی توسعه استان باید بر پایه صنعت، تجارت و گردشگری باشد.قوانلو گفت: امسال صادرات غیرنفتی استان ۲۵۰ میلیون دلار رشد داشته و انتظار داریم به ۳۰۰ میلیون دلار برسد.

تضامین بانکی مسیر ایجاد کسب و کار را برای زنان سخت کرده است

مدیر کل امور بانوان و خانواده استانداری استان گلستان گفت: تضامین بانکی برای دریافت تسهیلات کارآفرینی، مسیر ایجاد کسب و کار را برای زنان سخت کرده است. به گزارش خبرنگار مهر، کلثوم غفاری ظهر یکشنبه در حاشیه برگزاری کارگاه های آموزشی ایجاد کسب و کار برای جوانان و زنان اظهار کرد: زنان دارای توانمندی های زیادی برای ایجاد مشاغل مختلف هستند، اما تضامین بانکی برای دریافت تسهیلات مسیر ایجاد کسب و کار را برای آنان سخت کرده است.وی افزود: گلستان ظرفیت های بسیار خوبی برای توسعه کار آفرینی زنان در بخش های مختلف اقتصادی دارد اما ایجاد کسب و کار بدون حمایت مسئولان و دوره های آموزشی برای توانمند سازی زنان ممکن نیست.غفاری ادامه داد: ایجاد و برگزاری کارگاه های مختلف آموزشی این امکان را به شرکت کنندگان می دهد که ایده های کسب و کار خود را با رویکردی علمی و شناخت بازار به اجرا در آورند چرا که بسیاری مواقع دیده شده که ایجاد کسب و کار بدون گذراندن دوره های آموزشی ره آوردی برای زنان نداشته است.مدیر کل امور بانوان و خانواده استانداری گلستان گفت:با توجه به اینکه ثبت نام در سامانه کارا برای دریافت تسهیلات اشتغالزایی فقط برای روستائیان تعریف شده، این اداره کل با همکاری اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی این امکان را دارد که بانوان شهرهای استان را برای دریات تسهیلات اشتغالزایی به دستگاه های مختلف معرفی و پیگیر اجرای طرح آنان باشد.وی افزود: سقف تسهیلات در نظر گرفته شده برای اشتغال زنان با توجه به طرح ارائه شده از سوی متقاضیان ۱۰ تا ۵۰ میلیون تومان در نظر گرفته شده است.غفاری در ادامه با اشاره به اجرای طرح روستاهای بدون بیکار در استان گفت: مقرر شده که این طرح در سه روستای هر شهرستان به اجرا در آید که اداره کل امور بانوان استانداری برای نخستین بار روستای اسبو محله گرگان را برای اجرای این طرح انتخاب کرده است.وی تصریح کرد: هدف از اجرای طرح های مختلف اشتغالزایی و اجرای کارگاه های آموزشی توانمند سازی زنان در عرصه کسب و کار بدون دخالت دولت و دستگاه های دولتی است که گلستان به عنوان هشتمین استان کشور با همکاری بنیاد کار آفرینی، امور زنان وزارت کشور و نهاد ریاست جمهوری اقدام به برگزاری کارگاه سه روزه آموزشی کرده است.

آگهی‌های ثبتی

آگهی نوبتی موضوع ماده ۳قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی وساختمان های فاقد سند رسمی

۱- برابر رای شماره ۱۳۹۷۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۰۰۲۵- ۹۷/۱/۲۰ کلاسه ۱۳۹۶۱۱۴۴۱۲۰۰۹۰۰۰۰۳۲ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی رمضان هزاری رستمی فرزند جان محمد در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۳۷۵۳ مترمربع جزء باقیمانده پلاک ۵- اصلی بخشی دو ثبت بندرگز (اراضی جفاکنده) که میزان ۲۵/۵ سهم مشاع از ۱۲۰ سهم ششدانگ عرصه وقف عام است خریداری مع الواسطه از مالک رسمی محمدحسن قجر جفاکنده محرز گردیده است.

۲- برابر رای شماره ۱۳۹۷۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۰۰۲۸- ۹۷/۱/۲۰ کلاسه ۱۳۹۶۱۱۴۴۱۲۰۰۹۰۰۰۰۳۳ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی حسین سعادتمند فرزند علی اکبر در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۷۵۰ مترمربع جزء باقیمانده پلاک ۵- اصلی بخشی دو ثبت بندرگز (اراضی جفاکنده) که میزان ۲۵/۵ سهم مشاع از ۱۲۰ سهم ششدانگ عرصه وقف عام است خریداری مع الواسطه از مالک رسمی علی اکبر قجر جفاکندی محرز گردیده است.

۳- برابر رای شماره ۱۳۹۷۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۰۰۲۹- ۹۷/۱/۲۱ کلاسه ۱۳۹۶۱۱۴۴۱۲۰۰۹۰۰۰۰۴۴ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی منصور رئیسی فرزند رمضان در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۳۱۵۶/۵۰ مترمربع قسمتی از پلاک ۸- اصلی بخشی دو ثبت بندرگز (اراضی گز) خریداری مع الواسطه از مالک رسمی نورمحمد پورسلطان محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت دو ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول : دوشنبه ۹۷/۵/۱۵
تاریخ انتشار نوبت دوم : دوشنبه ۹۷/۵/۲۹
تجری – رئیس ثبت اسناد و املاک بندرگز- م.الف- ۹۷/۱۰۰

نسخه اینترنتی
روزنامه گلشن‌مهر
www.golshanemehr.ir

خبر

دولت به مرزنشینان توجه بیشتری کند

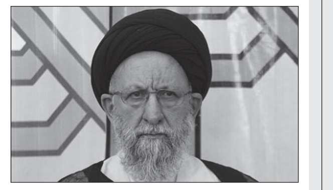

نماینده ولی فقیه در گلستان و امام جمعه گرگان با بیان اینکه به ۱۷۰ روستای مرزی استان با تانکر آبرسانی می شود، گفت: اگر به این روستائیان توجه نشده و مشکلات آنها برطرف نشود باید احساس خطر کرد. به گزارش ایرنا، آیت الله سیدکاظم نورمفیدی در دیدار با رضا اردکانیان وزیر نیرو اظهار داشت: مرزنشینان در واقع مرزبانان و مرزداران واقعی این نظام هستند. نماینده مردم گلستان در مجلس خبرگان رهبری با گلایه از ساخت سد در بالا دست برخی رودخانه ها ادامه داد: اجرای این گونه پروژه های غیراصولی و غیرکارشناسی باعث شده تا برخی رودخانه ها همچون اترک به مانند زاینده رود اصفهان و دریاچه ارومیه خشک شود. امام جمعه گرگان اضافه کرد: باید برای این مشکلات از سوی دولت و مجلس شورای اسلامی فکر اساسی شود. نماینده ولی فقیه در گلستان تاکید کرد: مسوولان باید با زبان مردم با آنان حرف بزنند تا برای همه آحاد جامعه قابل لمس باشد.

۳۴۵ نفر در کلاله صاحب اشتغال پایدار شدند

فرماندار کلاله تعهد ایجاد اشتغال دستگاه های اجرایی این شهرستان در سالجاری را یک هزار و ۵۱۰ نفر اعلام کرد و گفت: با پیگیری های ستاد اشتغال تاکنون ۳۴۵ نفر در بخش های صنعتی، کشاورزی، خدماتی و فناوری اطلاعات مشغول کار شده اند. به گزارش ایرنا، محمد حمیدی در جلسه ستاد اشتغال کلاله با بیان اینکه این شهرستان در پرداخت تسهیلات اشتغال به روستاییان رتبه دوم گلستان را به خود اختصاص داد، افزود: در مدت یاد شده ۴۴۳ پرونده با اشتغالزایی ۶۳۱ نفر برای پرداخت ۳۱۴ میلیارد و ۹۰۰میلیون ریال، به بانک های عامل معرفی شده اند. رئیس ستاد اشتغال کلاله از اختصاص ۱۵میلیارد ریال تسهیلات بانکی برای ایجاد مشاغل خانگی خبرداد و گفت: ۱۵۰نفر از اعضای خانواده هایی که توانایی و تخصص ایجاد مشاغل خانگی را داشته باشند، از تسهیلات مذکور برخوردار می شوند. حمیدی خاطرنشان کرد: این تسهیلات براساس تعهد اشتغال دستگاه های اجرایی مرتبط، به مجریان مشاغل خانگی در شهرهای فراغی و کلاله و بخش های مرکزی و پیشکمر پرداخت می شود. فرماندار کلاله با بیان اینکه مدیران دستگاه های اجرایی انگیزه و ابتکار ایجاد اشتغال پایدار در حوزه های مرتبط را باید داشته باشند، تصریح کرد: اگر دستگاه های اجرایی پرونده های اشتغال متقاضیان را در مسیر درست بررسی کنند، این پرونده ها در مراجع بالاتر معطل نمانده و یا برگشت داده نخواهد شد.

مدیرعامل شرکت گاز گلستان:

۱۲ روستای گلستان در هفته دولت گازرسانی می شود

مدیرعامل شرکت گاز گلستان گفت: در هفته دولت امسال با گاز رسانی به ۱۲ روستا، ۸۵۲ روستای گلستان دارای گاز می شوند.

به گزارش خبرنگار مهر، محمدرحیم رحیمی، بعد از ظهر یکشنبه در جمع خبرنگاران استان از تامین بیش از ۷۰ درصد انرژی کشور و استان توسط شرکت گاز گلستان خبر داد و اظهار کرد: شرکت گاز استان گلستان تاکنون توانسته است ۱۰۰ درصد جمعیت شهری را از نعمت گاز بهره مند سازد.وی با بیان اینکه ۹۵ درصد جمعیت روستایی از نعمت گاز طبیعی بهره مند هستند، افزود: در هفته دولت امسال با گاز رسانی به ۱۲ روستای استان، ۸۵۲ روستا دارای گاز می شود و عملیات گاز رسانی به ۳۷ روستای دیگر هم تا پایان امسال و سال آینده انجام خواهد شد.مدیرعامل شرکت گاز استان گلستان گفت: در پنج ماه ابتدای سال ۹۷ حدود هشت هزار و ۹۰۰ کیلومتر شبکه گاز رسانی در استان انجام شد.وی از نصب ۲۸۳ هزار انشعاب برای مشترکین در گلستان خبر داد و یادآورشد: تعداد مشترکین در گلستان بیش از ۵۵۱ هزار نفر است.

مطالبات ۷۷ میلیارد تومانی شرکت گاز گلستان رحیمی اظهار کرد: این شرکت توانسته با اعتباری بالغ بر ۳۹۴ میلیارد ریال تعداد ۷۶ پروژه را گاز رسانی، افتتاح، ۱۰۹ پروژه را کلنگ زنی و میزان ۱۲ هزار مکعب گاز طبیعی را جایگزین سوخت های فسیلی دیگر کند.

یادداشت

ماجرای امامزاده بی غیرت!!

مرتضی نوروزی

ـ میرزا حسن شیخ‌الاسلام ملقب به ریس المجاهدین ، از مشروطه‌خواهان قزوین بود. وی در سال ۱۲۴۵ه.ش به دنیا آمد و در سال ۱۲۹۸ ه.ش درگذشت. وی فرزند «میرزا مسعود شیخ‌الاسلام» از علمای قزوین بود و از سوی ناصرالدین‌شاه به شیخ‌الاسلام ملقب شده بود. وی مخالف مشروطه بود، و نظام مشروطه را موجب فساد می‌دانست به همین سبب برای جلوگیری از آن در قزوین خطبه می‌خواند. اما فرزندش میرزا حسن، موافق سرسخت مشروطه بود و برای تحقق آن به فعالیت تشکیلاتی هم می‌پرداخت. وی به همین سبب گروهی به نام «انجمن مجاهدین قزوین» را پایه‌ریزی کرد تا مشروطه‌خواهان شهر را گردهم آورد. هنگامی که محمدعلیشاه به مخالفت با مشروطیت برخواست، میرزا حسن، به دفاع از مشروطیت گروهی را که متشکل از ۲۰۰ سوار مسلح بود به تهران برد. نمایندگان مجلس از وی و مجاهدان همراهش استقبال کردند و او را «رئیس‌المجاهدین» نامیدند. اندکی بعد محمدعلی شاه مجلس را به توپ بست و مشروطه‌خواهان را مورد پیگرد قرار داد. حکم دستگیری میرزا حسن نیز صادر شد و وی برای نجات جان خویش به استانبول گریخت. اندکی بعد مخفیانه به کشور بازگشت تا در تحرکات مشروطه‌خواهان ایفای نقش کند. هنگامی که مشروطه‌خواهان، رشت را فتح کردند و سر راه تهران وارد قزوین شدند، رئیس‌المجاهدین و دیگر مشروطه‌خواهان قزوین هم به آنها پیوستند و شهر را به دست گرفتند. در این گیرودار پدر میرزا حسن، یعنی میرزا مسعود شیخ‌الاسلام توسط مشروطه‌خواهان کشته شد و شایع گشت که پسر، مشروطه‌خواهان را به قتل پدر تحریک کرده است. او هرگز نتوانست اتهام توطئه علیه پدر را از خویش دور کند و از سوی مخالفان مشروطه به «بی غیرت» ملقب گردید. وی در سال ۱۲۹۸ درگذشت و مشروطه‌خواهان برای تجلیل از وی بر مزارش مقبره ای ساختند، اما مردم شهر مزار او را «امامزاده بی‌غیرت» نامیدند. وی برای آبادی مزارش، موقوفاتی تخصیص داده بود اما با این حال مقبره اش همچنان متروک است. این مقبره حدود ۲۵ کیلومتری شرق قزوین در جنوب-شرقی نیروگاه برق شهید رجائی و در کنار جاده قدیم تهران ـ قزوین قرار دارد.

ترومایِ مشروطه

محمدرضا مرادی طادی

ادوارِ تاریخ ایرانزمین را بر مبنای پارامترهای متفاوتی تقَسیم بندی می کنند، که عموماً تقسیم بندی رایج بر اساس سلسله‌های سیاسی حاکم بوده است.برای نمونه،در متون تاریخی به کرّات با عبارتی مثل عصر سلجوقیان یا دورهٔ غزنویان یا مانند اینها روبرو می شویم.واقع امر این است که به رغم وجود چنین تقسیم بندی‌هایی در متون تاریخی و تحقیقات مرتبط – حوزه‌هایی مثل تاریخ ادبیات،باستان شناسی،جامعه شناسی تاریخی،و امثالهم – ولی در عالم واقع گاه به سختی می توان ما بین این دوره‌های مختلف خطوط تمایزِ پُر رنگی ترسیم کرد.البته نه این که تفاوتی وجود نداشته باشد،ولی دوره‌های همسایه و مقارن،به سختی از یکدیگر قابل تشخیص و تفکیک‌اند و بعضاً فقط اهل فن، آن هم با دقت نظرهای مفهومی و روشی، می توانند مثلاً غزلی از دورهٔ غزنوی را با غزلی از ادب عصر سلجوقی مقایسه کنند و تداومها و تفاوتها را مشخص کنند – و البته که در این حوزه هم هیچ اجماعی بین کافّهٔ علما نیست و اختلاف نظر بسیار است.

امّا دورهٔ مشروطیّت یکی از معدود دوره‌ها – و شاید به تسامح تنها دوره‌ای – است که از ما قبل خود چُنان متمایز شده است که نه تنها برای متخصصین بلکه برای مردم عادی نیز بی چون و چرا قابل تشخیص و تمیز است.برای مثال،در ادب دورهٔ مشروطه مفاهیمی مثل وطن،آزادی،استبداد،قانون و دیگر مفاهیم نوآیین مأخوذه از اندیشهٔ سیاسی جدید به کار رفته است که بی هیچ تردیدی معادلی در ادب قدیم ما ندارد.برای نمونه،محمدرضا شفیعی کدکنی سیر تحول موتیف « وطن» را در مقالهٔ مستطاب « تلقی قدما از وطن» نشان داده است و همو در همانجا تاکید کرده اَست – با استنادی تلویحی به آثار فریدون آدمیت – که وطن و مفهوم همبستهٔ آن، «ملیّت»، انگاره‌ای عاریتی و وارداتی است که توسط روشنفکرانی همچون میرزافتحعلی آخوندزاده (۱۲۲۸–۱۲۹۵ ش) و جلال‌الدین میرزای قاجار(۱۲۴۶–۱۲۸۹ ش) و میرزا آقاخان کرمانی (۱۲۷۰–۱۳۱۴ش) به جغرافیای فکر مشروطه وارد شده است.از همین رو،وطن مشروطه دیگر آن ترجیع بند تکراری ادبیات عرفانی که وطن را از مصر و عراق و شام نمی دانست نبود بلکه تبدیل به واقعیتی عینی شده بود که ملتی واقعی را با تاریخ و جغرفیایی مشخص در بر گرفته بود؛لذا شاعر می توانست چنین دردمندانه در رثای رنج‌های آن مویه کند:« کنون چرا نکنم ناله از برای وطن/که من چو نای شدستم ز ناله‌های وطن/مگر چه پنبهٔ غفلت فشرده‌اند به گوش/که خود نمی‌شنود هیچ کس صدای وطن/وطن سلام فرستد همی به فرزندان/کجاست گوش که او بشنود صدای وطن/وطن غریب و وطن بی کس و وطن تنها/کجاست آن که شود یک دم آشنای وطن».

پس بدین گونه عصر مشروطه با خطوط تمایزی پُر رنگ و برجسته از ادوار قبل از خودش جدا می شُد و هندسهٔ فکری نوآیینی را بنیاد می گذاشت که حتی در ادب و شعر – که عموماً یکی از پایدارترین ارکان نظام فکری ماست – نیز به راحتی قابل شناسایی بود و هست.ولی اگر بخواهیم چراییِ پُر رنگ شدن خط تمایز این دوره را با ادوار قبلی جویا شویم،واقعاً این تفاوت از کجا آمده است؟ آن جوهرهٔ انقلابی عصر مشروطه که هر آن چه سخت و استوار بود را دود می کرد و به هوا می فرستاد،کجا قرار داشت؟می توان به پرسش فوق پاسخهای بسیار متفاوتی داد؛برای مثال،تغییراتِ جمعیت شناختی،مهاجرت کارگران و تجار به قفقاز و امپراطوری عثمانی،انسداد نظام سیاسی،تغییر در هیأت حاکمه(ورود نخبگان جدید با درکی متفاوت از امر حُکمرانی)،ورود اندیشه‌های نوین،رواج روزنامه و متعاقباً افزایشَ آگاهیِ عمومی و غیرهم.هر یک از این پارامترها را که برگزینیم ضرورتاً بایستی به مقدمات و روش شناسی متناسب آن هم پایبند باشیم؛مثلاً تمرکز بر موضوع مهاجرت کارگران و تجار ما را وارد عرصهٔ اقتصاد سیاسی می کند.امّا ورای تمام این مولفه‌ها و عناصر تاثیرگذار،که هر یک به خودی خود،برایِ فهم چرایی و چگونگی وقوعِ انقلابِ مشروطیّت، بسی ارزشمند اَند،به نظر می رسد که یک «اَبَر مولفه» وجود داشته است که توانسته با مغناطیسش تمام این عناصر را فعال کند.یعنی آن که اساساً در غیابِ آن، این عناصر و مولفه‌های حاشیه‌ای نمی توانستند به مثابه عنصریَ تاثیرگذار موضوعیّت پیدا کنند.و آن اَبَر مولفه و آن عنصر جوهرینی که توانسته است سرشت نشان این دوره باشد را شاید بتوان «تصلب سنت» دانست.

در ایران پیشامشروطه سنت در تمام وجوهاتش به بن بست و انسداد رسیده بود،و از همین رو،جامعه یا بایستی راه گورستان در پیش می گرفت و یا سنت را روانهٔ گور می کرد.نظم سلطانی به جا مانده از سده‌های میانه؛زبان مستعمل و دستفرسود شعر پارسی که به تعبیر نیما یوشیج با گرفتن موضوعات تکراری از اسلاف و تحویل آنها به اخلاف بزرگترین تحقیر را نثار روحمان می کرد؛انسانشناسی ما قبل تاریخی‌اش، که در آن مفاهیمی مثل انسان و شهروند معنایی نداشت؛و نهایتاً کلیّت نگاه‌اش به جهان که آن را خیمه‌ای از «طبایع» می دید که قابل دستکاری و مدیریت نیست(در مقابل نگاه مدرن که جهان را مجموعه‌ای از امکانها برای خلق «صنایع» می داند)؛همهٔ اینها وجوهاتی از سنت بودند،سنتی که تمام توش و توانش را از دست داده بود.

امّا با این وجود،حتی چنین وضعیتی هم نمی توانست ذاتاً زایندهٔ تحول عظیمی مثل مشروطیت بشود،بلکه پیش شرط آنها یک «تروما»ی ملی بود تا زخمه‌ای بر وجدان عمومی جامعه بزند.و این ترومای تاریخی فقط می توانست از دل جنگ بیرون بیاید:جنگهای ایران و روس و شکست خفت بار نظام سنت از جهان مدرن.

آن ترومای ملی، بعد از شکست ایران و ایرانیان از روسیه و پذیرش عهدنامه‌هایی که در حافظهٔ تاریخی ما لقب خفت بار گرفتند – به نامهای گلستان و ترکمنچای – پرسشی در وجدان عذاب آلود ایرانی پدید آورد که ظاهراً نخستین صورتبندی خود را در ذهن و زبان عباس میرزا یافت؛اویی که هرچه بر زورِ بازو و غیرتِ نیروهایش تکیه کرد از پَس قدرت اسلحه و غرش توپهای روسی بر نیامد.عباس میرزا – بی آن کهَ بداند؛ناخودآگاه – این لحظهٔ تروماتیک(traumatic) را بدل به دقیقه‌ای پروبلماتیک(problematic)کرد،و گویا از سفیر فرانسه پاسخِ پرسشی را جویا شد که تقریباً می توان گفت در طی دو قرن گذشته، اصلی ترین پروبلماتیکِ حاکم بر اندیشهٔ روشنفکران و متفکران ، و حتی فراسوی آن،حاکم بر دغدغه‌های عامی ترین مردمان کوچه و بازار این سرزمین نیز بوده است:ما(ایرانیان) چگونه ما شدیم و شما(غربیان) چگونه شما شُدید؟ به تعبیر بهتر چرایی و چگونگی سنت، که ما را ما کرده است، و دلایل و علل تجدد، که شما را شماَ کرده است، چیست؟ به بیانی دیگر،چرا ملتها شکست می خورند؟ و،چرا ملتها پیروز می شوند؟

از منظری فلسفی،ترومای ملی تحقیر در جنگ و دیپلماسی،توانست «زمان تاریخی» را از «زمان اندیشی» جدا کند و به آن ضرباهنگی متفاوت ببخشد.در ادامه، سرعت و جهت تغییرات در این دو ساحت زمانی چنان متفاوت شد که عاقبت زمان تاریخی در امواج انقلابی که برآمده از زمان اندیشی بود فروپاشید و نظم نوینی از دل آن بیرون آمد.ولی متاسفانه نظم نوین «هیأت تالیفی» کهنه و نو نبود،بلکه بیشتر تلاشی بود مکانیکی – و نه دیالکتیکی – برای «نسخِ سنت».از همین رو،«جدال قدیم و جدید» را در دو عرصهٔ ستیز قلمها، و ستیزش بدنهٔ اجتماعی‌شان برانگیخت،و متاسفانه‌تر آن که، با اعدام شیخِ اهل سنت برای جناح کهنه خواهان شهیدی ساخت تا از سپیده دمانَ مشروطه تا اکنونیّتی که کماکان از منظر زمان اندیشی در عصر «پیشامشروطه»قرار دارد، نیروهای اجتماعی حامی‌شان را با شور و هیاهوی هیجان و عاطفه،برای تداوم بخشیدن به «زمان تاریخی افق سنت»،در حالت تهییج نگه دارند.پس مجموعاً می توان گفت که تجربهٔ مشروطهٔ ایرانی بر بستری از یک ترومای ملی بنا شده،با تبدیل آن لحظهٔ «تروماتیک» به پرسشی «پروبلماتیک» تداوم یافته،جدال قدیم و جدید را در افق زمانی تاریخی و اندیشی شکل داده و در نهایت معطوف نسخ سنت شده است.امّا با این حال مشروطیّت،از منظری فلسفی،پدیده‌ای تاریخی و متعلق به گذشته نیست بلکه هم چنان «معاصریّت» ما را شکل می دهد.چرا که نه توانسته است که گسست زمان تاریخی و اندیشی را برای ما حل و فصل کند و نه مرهمی برای تحقیرهای ملی ما بیابد.لذا ما هنوز هم در ساحت نظری درگیر پرسشهایی هستیم که موجِد انقلاب مشروطیت بوده است و هم در ناخودآگاه جمعی مان اسیر آن زخمی هستیم که از ناکامی‌های ملی مان دمادم عارضمان می شود.پس مشروطهٔ ایرانی نه «دیروز ابدی سنت» را نسخ کرده است و نه «تجددی ایرانی» آفریده است، بلکه «معاصریّت»ی ایجاد کرده است مُعلق میان کهنه و نو:برزخ شترگاوپلنگانهٔ مدرنیتهٔ سنتی(گاوِ ساعدی- مهرجویی بیانِ بصریَ این برزخ تعلیق میان کهنه و نوَ است؛نمایش جامعه‌ای سترون،ناتوان از زایمانِ طفل نارسی که در زهدان تاریخی‌اش لانه کرده است؛و عاقبت هم از همین درد می میرد).لذا باید گفت که اگر بخواهیم رنسانسی داشته باشیم تقریباً بی تردید راهی جز بازخوانی «تجربهٔ مشروطه» پیش روی مان گشوده نیست.مشروطه‌ای که برخلاف نظر ماشاالله آجودانی – در تکنگاری نامدارش درباب انقلاب مشروطیّت – ایرانی نیست بلکه باید با بازخوانی و بازنویسی و بازاندیشی ایرانی بشود.

به هر آن کجا جز اینجا

از غیبت صغری تا تفسیر وارونه‌ی تجربه‌ی مشروطه

صادق پیوسته

بی نگاه به جایی که ایستاده‌ایم، چگونه می‌توانیم از آن جا رهایی یابیم؟ بدون چنین نگاهی، چگونه می‌توانیم جای دیگران را به درستی درک کنیم؟ گرچه این پرسش‌ها پاسخی ندارند، تجربه‌های ما، مردم ایران، در سده‌های اخیر، تکرار جست‌وجو برای یافتن پاسخ به این پرسش‌ها را نشان می‌دهد. ما کم‌وبیش کوشیده‌ایم رهایی را بی نگاه به اینجا که ایستاده‌ایم و اکنون که از آن سخن می‌گوییم، به شکلی گویی خیره به دوردست و جدا از هر گونه زمان بجوییم. ما مقتضیات زمانی که در آن هستیم و جایی که در آن هستیم و نیروهاییتاریخ‌مند که وضعیت ما را پدید آورده‌اند، اغلب نادیده گرفته‌ایم. به این ترتیب،همانند شطرنج‌بازانیهستیم که نرد عشق و نفرت با مهره‌های خود می‌بازند. پس از سال‌ها نابسامانی در ستاندن حق و حقوق بربادرفته در برزن و بازار، در سال ۱۲۸۳ جنبش عدالتخانه در ایران به راه افتاد. داستان را با عبور از ریشه‌های بسیاری که داشت، از رمضان ۱۳۲۳ هجری قمری آغاز می‌کنیم، آنگاه که قند گران شد. گرانی قند در پی جنگ سال ۱۹۰۵ روسیه و ژاپن و کمبود آن و در نتیجه کاهش امکان واردات به ایران پدید آمد. بازرگانان و بازاریان در این میان نقشی نداشتند و همان قند را با همان سود معمول می‌فروختند. از سوی دیگر، صدراعظم وقت، عین‌الدوله، خشمگین و آماده‌ی آزار رساندن به مردم به هر بهانه‌ای بود چرا که با سفر شاه به فرنگ، بازرگانان بیش از حد به پای وی پیچیده بودند. در واقع، آنان از مسیو نوز که رئیس امور گمرک بود، ناراضی بودند و پس از این که نتیجه نگرفتند، در حرم عبدالعظیم تحصن کردند. علما نیز به حمایت از آنان پرداختند. صدراعظم حل این منازعات را نه وظیفه که دردسری برای خود می‌دید و پس از دوره‌ای از کشمکش‌ها، آماده‌ی فرصتی بود که انتقام بگیرد. گرانی قند، بهترین بهانه بود. او به علاءالدوله، حاکم تهران، مخفیانه دستور داد برخی بازرگانان و بازاریان را فلک کند. علاءالدوله به این بهانه که قند از هر من ۵ ریال به ۸ ریال رسیده است، دستور داد چند تن از آنان از جمله دو بازرگان سالخورده به نام‌های سیدهاشم قندی و حاج سیدمحسن را در ملأ عام فلک بستند. در میانه‌ی ماجرا، حاج علی‌نقی پسر ۲۷ساله‌ی سیدهاشم نزد علاءالدوله دادخواهیکرد واو هم حکم کرد که پدر را باز کنند و پسر را به چوب ببندند. این صحنه با توجه به سرشناس بودن سیدهاشم و حاج محسن، باعث جریحه‌دار شدن احساسات عمومی شد و این بیدادگری، فضا را برای فریادهای بیشتر آماده نمود. عده‌ای از بازاریان، مغازه‌ها را بستند و رؤسای اصناف و بازرگانان سرشناس به مسجد شاه رفتند تا به امام جمعه شکایت کنند و از اون بخواهند که راه و رسم دادگری را به حاکم تهران یادآوری کند. از این سو، امام جمعه هم آماده‌ی فرصتی برای خودنمایی بود ونقشه‌ی عجیبی کشید و علمای بزرگ تهران را به مسجد شاه دعوت کرد. وقتی سیدجمال واعظ مشغول سخنرانی در مورد بیدادی بود که بر بازاریان و بازرگانان رفته است، امام جمعه فریاد برآورد که او کافر و بابی است و به شاه توهین کرده است و در آن هیاهو، نوکرهای امام جمعه با دهها نفر که تحت تأثیر جو قرار گرفته بودند، به منبر حمله‌ور شدند. علما گریختند و حتی طباطبایی نعلین را بر جای نهاد و پابرهنه به منزل رسید. آنجا شور کردند و طباطبایی گفت با این اوضاع، ما را پشتیبان گران‌فروشان نشان داده و حبس می‌کنند. بهتر است به حرم حضرت عبدالعظیم پناه ببریم. چنین شد و مهاجرت صغری با حضور علمایی همچون سیدمحمد طباطبائی، سید عبدالله بهبهانی، حاج شیخ‌مرتضی آشتیانی،صدرالعلماء، سیدجمال‌الافجه، میرزامصطفی آشتیانی،سیدمحمدصادق کاشانی، شیخ‌محمدرضای قمی و دیگران شکل گرفت. بازاریان و بازرگانان و بسیاری دیگر که از بیدادگری به تنگ آمده بودند، هزینه‌ی حضور آنان را می‌پرداختند و هر روز نیز بر شمار مهاجران متحصن در حرم افزوده می‌شد. البته سالارالدوله، پسر مظفرالدین‌شاه نیز به سودای همراهی این علما و نشستن بر تخت شاهی پس از پدر، به انحای مختلف به متحصنان کمک می‌نمود.

ماجرا بالا گرفت و شاه بازگشته از فرنگ نیز که بی‌خبر از همه جا در دربار خویش بود، سرانجام توسط خبرچینان آگاه شد. متحصنان از طریق واسطه‌ها به ویژه ملک‌المتکلمین که دوستی صمیمانه‌ای با سفیر عثمانی داشت و حامی مالی و معنوی متحصنین نیز بود، سفیر عثمانی را واسطه کردند و خواسته‌هایی را به شاه رساندند که پردامنه‌ترین آن‌ها، تأمین‌عدالت‌خانه در همه جای ایران برای جلوگیری از ستمگری حکام بود. پس از کش و قوس‌های فراوان، این خواسته پذیرفته شد. عین‌الدوله انواع کارشکنی‌ها را روا داشت تا کار به سرانجام نرسد اما با حمایت نیروهای مختلفی که به آن‌ها اشاره شد، سرانجام شاه عین‌الدوله را خواست و دستور داد تا فردای آن روز، درخواست‌های مهاجرامتحصن اجرا شود وگرنه خود به حرم خواهد رفت و آنان را با عزت و احترام بازخواهد گرداند و خواسته‌های آنان را اجرا خواهد کرد. به هر روی، در پیچ و خم این ماجرا، سرمایه و زمان و امکانات بسیاری از نیروهای بازار، علما و بخشی از روشنفکران و افراد سرشناس به کار گرفته شد. در روزی ۱۶ ذیقعده مهاجران با عزت و احترام باز گردانده شدند و شیخ محمد واعظ، خلاق‌المعانی، دستور شاه و دو تن دیگر، درخواست‌های متحصنان را خواندند و فریاد زنده باد ملت ایران برای اولین بار بلند شد. برخی، با تکیه بر نشانه‌هایی همچون این شعار که تا پیش از آن معمول نبود، این حوادث را و همین درخواست عدالتخانه را هم به گونه‌ای، الگوگیری از شعارهای غربی دانسته‌اند. گرچه نمی‌گویند که این الگو، چگونه بر زبان علما، بر شانه‌های بازار سنتی و با تکیه بر حرمت حرم عبدالعظیم زاده می‌شود؟ به هر روی، با بهانه‌های مختلف عین‌الدوله به‌ویژه با تمرکز بر اختلاف علما در تفسیر مفهوم عدالتخانه، این داستان سرانجام به نتیجه نمی‌رسد و با تبعید علما و روشنفکران مطرح و منع آمد و شد شبانه در تهران، کم کم مسأله چنان پیچیده می‌شود که به مهاجرت کبری یعنی رفتن علما به قم می‌انجامد. ما در این فرصت محدود به پیگیری چفت وبست‌های درخواست عدالتخانه به عنوان مهم‌ترین خواست تاریخی مردم ایران در جنبش و حوادث پیشین و پسین آن نمی‌پردازیم اما با تمرکز جدی بر همین مورد که بیان شد، می‌توان دید که چگونه نیروهای سیاسی موجود در نظم آن دوران، به انتهای کارایی خود رسیده بودند یعنی سنت‌های منجمد حکومت‌گری بر رویه‌های پویا چیره شده بود. همچنین می‌توان دید که چگونه علما و بازاریان که نیروهایی سنتی پنداشته می‌شوند، به خوبی از پویایی برخی سنن موجود بهره گرفتند و یکی از خواست‌های مشروطه را پی ریختند. در این مورد، آشکار شد که چگونه خواست دادگری و عدالت به مثابه حکم منصفانه و قابل پذیرش طرفین کشمکش و در واقع،خواست قوه‌ی قضائیه با تکیه بر شناخت وضعیت موجود، پیگیری شد. خیالاتی که می‌گویند مشروطیت، خواب و خیال عده‌ای فرهیخته‌یخارج‌دیده بود را باید کنار گذاشت. چنان که دیدیم، در حساس‌ترینشرایط نیز علما بر تفسیر عدالتخانه درگیر بودند. جدای بررسی این مورد همچون فرصت یا فرصت‌سوزی سیاسی، آشکار است که مفهوم عدالتخانه در اینجا به شکلی اجتهادی و نه تقلیدی مد نظر طرف‌های مختلف کشمکش بوده است. بنابراین، همچون همین مورد خاص، باید هر فقره از رخدادهای دوران مشروطه را چه پیش و چه پس از آن، با جای دادن‌شان در شرایط خاص تاریخی و در میانه‌ی نیروهایی که وجود داشتند شناخت تا معلوم شود هر رخداد چرا و چگونه ممکن شده است، حاصل چه نیروهایی بوده است و چه اموری را پس از خود، ممکن یا ناممکن ساخته است. تنها با چنین شناختی است که می‌توان میدان این نیروها را دریافت و ضرورت، بسترها و پیامدهای پیدایش هر پدیده را درک نمود و سنجید. به جای نگاه‌های ایدئولوژیک که پیشاپیش نیروهای خوب/بد، پیشرفت/پسرفت، سنتی/مدرن و مانند این‌ها در تاریخ تشخیص می‌دهند و آنگاه بدون ورود به متن رخدادها، دستورهای کلی صادر می‌کنند، به نیروهای واقعا موجود و تحلیل رخدادهای مهم بیندیشیم. ببینیم زمینی که این نیروها بر آن قرار دارند، چه اقتضاهایی دارد و چگونه می‌توان آنرا دگرگون ساخت. به زمین شطرنج باز گردیم.

بخش اول

مروری بر رویدادهی انقلاب مشروطه توأم با پیگیری سوریه های تئوریک آنها

ما و میراثی که منتظر تصمیم ماست

اسماعیل نوشاد

بسیاری در امروز ایران مشروطه را یک انقلاب شکست خورده می دانند و گونه ای سخن می گویند که انگار ما هنوز درگیرِ مسائلی چون جدال سنت و تجددیم. این حرفها پوچ و بی موردند. انقلاب مشروطه تغییراتی در هندسه اجتماعی ایران خلق کرد که بازگشت ناپذیرند. همچنین این تغییرات صورت معادلات اجتماعی تازه ای را در برابر ما گشوده است که مسائل آن به نسبت گذشته¬ی پیشا مشروطه دیگرگونه است. دلیل نادیده گرفتن انقلاب مشروطه از جانب نخبگان امروز، بیشتر از آن که مربوط به پیشینیان مشروطه خواه ما باشد، به نوعی رکود و تصمیم گریزی در نسل ما باز می گردد. مشروطه هندسه اجتماعی ایران را برای همیشه تغییر داده است، اما ما جرأت رویارویی با تبعات این دگرگونی را نداریم. این تصمیم گریزی و ترس به یمن اقتصاد نفتی در وجود انسان ایرانی نهادینه شده و وی نه تنها از برابر مشروطه، بلکه از برابر هر مفصل بحرانی تاریخ معاصر ایران می گریزد.در صورتی که امروزه در پایان قرن چهارده هجری شمسی به نظر می رسد زیرساخت هایی مانند اقتصاد نفتی که این کاهلی و تصمیم گریزی را مهیا می کردند، در حال فروپاشی اند و اگر تصمیم نگیریم تقدیر می رسد!

به هر حال، در این نوشته کوتاه سعی می کنیم مروری تحلیلی بر رخدادهای عصر مشروطه از ۱۲۸۰ تا ۱۳۲۰ داشته باشیم و همزمان با بازخوانی حوادث، سویه های تئوریک آنها را بازیابیم.

۱.بحران در ارکان مختلف جامعه و پیدایش دشواره های اجتماعی جدید

در نتیجه جنگ های ایران و روسیه در زمان فتحعلی شاه و از دست رفتن بخش بزرگی از سرزمین های ایرانی، همچنین از دست رفتن بخش هایی از خراسان در زمان محمد شاه، شکاف عظیمی در اقتدار سیاسی دولت ایران رخ نمود. این نظام دیگر توانایی پاسداشت تمامیت سرزمینی ایران را نداشت. درون کشور نیز نظام سیاسی، توانایی مهار خودکامگان محلی را نداشت. ستم حکام و شورش «رعایا» یک رویه شده بود. «رعایا» گرسنه بودند و قحطی خبر همیشه و همه جا بود. برخی دولتمردان دلسوز مانند قائم مقام فراهانی یا امیر کبیر سعی در انجام اصلاحات ساختاری در نظام سیاسی ایران نمودند، اما ضعف و فساد سیستماتیک و مقاومتِ «غریزه مرگِ جمعی» بیش از این حرفها بود. این اصلاحات همه ناکام بود. صورتبندی گفتمانی مستقر که در زمان صفوی ریخته شده بود، به ناگهان از جهان بازمانده و در حالِ فروپاشی بود. دیگر مسلمانان سنی دشمن درجه یک نبودند، بلکه شیعه و سنی اسیر قدرتهای استعماری نوظهوری شده بودند، که به هویت و مسائل اقوام میزبان به شکل صورت های بدوی زیستی می نگریستند. یک دستگاه معادله تازه با مجهول هایی تازه پیش روی ایرانیان باز شده بود که صورتبندی های گفتمانی گذشته پاسخی برای آن نداشتند. چگونه غرب به لحاظ فن آوری تا این حد جلو افتاده است؟ چگونه این اندازه ثروتمند وقوی شده اند؟ این نظم و عقلانیت دوزخی از کجا آمده است؟ چگونه به یکباره به این سطح از دانش رسیده اند؟ «انگلستان که می گویند یک جزیره کوچک است، چگونه همه دنیا را مستعمره کرده است؟»و.. .به راستی صورتبندی گفتمانی سنتی چه پاسخی برای این پرسش ها داشت؟ لابد«خورشید که از مشرق طلوع می کند، برای ما شرقیان خست می کند و بهر پربارش را به غرب می برد»!!

۲. یک چک بی محل

سنت ایرانی در برابر بحران های تاریخی گذشته، یک راه حل هرمنوتیکی داشت. روشی که هانری کربن آن را کشف کرد: تأویل یا بازگشت به اصل و ذات حقیقی هستی در مواجهه با کلان روایت های قومی. به عنوان نمونه، پس از اسلام، اسماعیلیان یکی از این جریان های تأویلی بودند. اندیشمندان اسماعیلی مانند حید آملی سعی می کنند با تفسیر و بازخوانی نظم گفتمانی جدید اسلامی،هویت اندیشه ایرانی را بازیابند. حکمت مشرقیه ابن سینا و بازگشت وی به حکمت پهلوی یا خسروانیان نیز در همین راستا بوده است و همین طور حکمت اشراقی سهرودی. این موارد نمونه های موفق از بازیابی هویت فرهنگی و فکری و قومی ایرانی در بحران های گذشته بوده است. اما آیا این بار هم این کار ممکن بود؟ آیا به واسطه تأویل میشد از چنگ این دیو «مدرن» جهید؟ مکتب های تأویلی مانند شیخیه و بابیه فکر می کردند که این کار ممکن است.کتاب های باب به روشنی نمایانگر این سنت تأویلی هستند، اما وی نتوانست بر مشکل فایق آید و سرانجام کار را به «من یظهر الله» سپرد. بی گمان این یک شکست در سنت تفسیری بود. سنتی که دست کم هزار سال قدمت داشت. پیروان باب به دو دسته تقسیم شدند. ازلیان بعدها بیشتر در نهضت مشروطه جذب شدند و بهاییان به قول یکی از بزرگواران «دون کیشوت» های ایرانی شدند و در آستانه قرن بیستم دین جدیدی آوردند!!این جریانات ادعایی داشتند که از پس آن بر نمی آمدند و بمانند یک چک بی محل فقط باعث اتلاف زمان و انرژی قوم ایرانی گشتند.

عجیب تر اینجاست که پس از هانری کربن بسیاری از اندیشمندان ایرانی فکر کرده اند که عالم جدیدی پیش روی آنها گشوده است و در بطن متون حکمی و فلسفی گذشته یک غول جادو خوابیده که بر همه مشکلات فایق می آید!!

۳.بروز صورتبندی گفتمانی جدید:مشروطه

در این مدتی که ایران با این معضلات دست به گریبان بود، اندک اندک دانشجویانی که برای تحصیل به غرب رفته بودند بر می گشتند. آنان از درون غرب را تجربه کرده وادعا داشتند با خود راز پیشرفت آنها را آورده اند. این راز در یکسری کلید واژه به سرعت همه گیر شد: قانون، آزادی، مشروطه ، ترقی و... مشروطه به معنای آن بود که وضع قانون و اجرای آن نباید بدست یک فرد باشد، بلکه وضع قانون باید به دست مردم واجرای آن به دست شاه باشد. روشنفکرانی مانند آخونزاده و ملکم خان و طالبوف و سخنرانانی مانند سید جمال واعظ و ملک المتکلمین قهرمانان مردمی این عصر بودند و مردم ایران برای اولین بار و آخرین بار چشمشان به دهان روشنفکران بود. آخونزاده یک سکولار و غرب گرای رادیکال بود. وی با هرگونه ترکیب سنت و تجدد مخالف بود. می گفت آوانگاشت زبان فارسی باید لاتین شود وبه نوعی ویژه از ناسیونالیسم ایرانی برگرفته از «گذشته پر افتخار» ایران باستان گرایش داشت. ملکم خان در مقابل سیاس تر بود و سعی می کرد مشروطه را در لفافه دین عرضه کند و در کل به تقابل دین و تجدد اعتقادی نداشت. او ترکیب عجیبی از آزادی خواهی و مشروطه خواهی و کلاشی و فساد مالی بود. می گویند بنیان گذار فراموش خانه در ایران است. روزنامه قانون را منتشر می کرد. ملکم خان ترقی را باعث شرافت انسان نسبت به حیوان می دانست. همچنین آن را بر خلاف سید جمال الدین اسدآبادی یک امر یکپارچه می دانست که تمام شئون تمدن بشری را در بر می گیرد. روشنفکر دیگر مهم مشروطه طالبوف بود. او از حق طغیان مردم در برابر ستمگری دفاع می کرد و اداره درست مملکت را بر مبنای یک «قانون اساسی» می دانست. می گفت مجلس شورای ملی باید وضع قانون و بودجه و اعلان جنگ و صلح و.. را بر عهده گیرد و سلطنت باید مشروط به تصمیم های این مجلس یا مجلس ها باشد. در عین حال یک خداباور بود و اهل دیر و کنشت و مسجد را برابر می دانست. می توان او را یک دئیست دانست.

گزاره های فوق روی هم رفته گفتمانی را شکل داد که مشروطه نام گرفت. این گفتمان به سرعت همه گیر شد و از دهان خرد و کلان جامعه ایرانی شنیده می شد. مشروطه خواهان در مرداد ماه سال ۱۲۸۳ در باغ میکده انجمنی تشکیل دادند که سخنرانان آن سید جمال واعظ و ملک المتکلمین بودند. در این نشست قطعنامه ای با ۱۸ بند قرائت شد. این بندها به نحوه مبارزه با دربار، جلب نظر روحانیون، روشن کردن افکار عمومی و.. اشاره داشتند.

۳. یک چاشنی انفجاری

مشروطه خواهی با این که همه گیر شده بود، اما هنوز یک همهمه ی بیناذهنی بود. مجرای عینیت یافتن این صورتبندی گفتمانی یک رخداد اقتصادی بود.جامعه به طبقات مختلفی تقسیم می شود. گروهی برای آزادی می شورند. گروهی برای دین، گروهی عدالت و اما توده یا بدنه اصلی اجتماع تنها در وهله نهایی یعنی در برابر خطر معاش و امر اقتصادی می شورند . بحران اقتصادی سال ۱۲۸۴ از قند شروع شد. عین الدوله تعدادی از بازرگانان را به خاطر گران شدن قند به چوب بست و همین کار نطفه آغاز یک جنبش مدنی بود. یکباره همهمه بالا گرفت و بازاری و طلاب و تحصیل کرده دارالفنون و شیخی و شیعه و.. همه بر علیه ساختار سنتی شوریدند.

۴.واکنش صورتبندی گفتمانی مستقر

در ابتدا خواست مشروطه خواهان برکناری عین الدوله و تأسیس عدالتخانه بود، ولی پس از کش وقوس ها و درگیری ها انتظارات بالا رفت. اکنون آنها می گفتند پادشاه باید وکیل مردم باشد نه ولی نعمت، مردم ملت ایرانند نه رعیت پادشاه، ما مجلس شورای ملی می خواهیم نه عدالتخانه و.. .روحانیت شیعه به عنوان متولیان گفتمان دینی مستقر در برابر بزنگاهی قرار گرفتند که باید واکنش نشان می دادند. اکثر مقلدان آنان به ویژه بازاریان در جنبش بودند. حضرات آیات بهبهانی و طباطبایی رهبری مردم کف بازار و خیابان را به عهده گرفتند و در مسجد شاه و حرم عبدالعظیم حسنی متحصن شدند. سرانجام پس از یک سری کش وقوس فرمان مشروطه در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ توسط مظفرالدین شاه امضا شد. از آن پس اموری مانند تهیه بودجه و نظارت بر هزینه آن، تصویب انتقال یا فروش منابع زیرزمینی، تصویب تغییر مرزهای کشور، تصویب قرار دادها و عهدنامه ها با دول خارجی و هرگونه قرارداد دولتی بر عهده مجلس بود.

واکنش روحانیت در مقابل این جریان را می توان به سه شیوه در سه تن از روحانیون و مراجع بنام عصر مشروطه دید.

– آخوند خراسانی، به دفاع از مشروطه خواهی برخواست. او با استفاده از اجتهادی پیشرو و دلایل فقهی نشان داد که حکومت مشروطه در عصر غیبت بر حکومت استبدادی ارجح است.

ادامه دارد